

سدها چه تفاوتی و جود داشت؟ صرفاً نیروی اجتماعی مردم! تنها تضمین موجه برای عملی شدن پیوست‌های فرهنگی، آگاه شدن مردم از محتوای پیوست‌هاست و این امر نیازمند انتشار آزادانه نتایج پیوست‌هاست که آن هم یک پیش شرط دارد: مدیران نتوانند بخش‌های منفی را سانسور و صرفاً بخش‌های مثبت را برای اطلاع عموم منتشر کنند.

استقلال محقق و سازمانی که این کار را انجام می‌دهد اهمیت دارد؛ اگر پروژه‌ای واقعاً برای گسترش یک امر مثبت انجام می‌شود و بودجه صرف آن پروژه می‌شود، در عین حال محقق به این نتیجه می‌رسد که این پروژه نتیجه ندارد و اثری نمی‌گذارد، باید منتشر شود و مردم بتوانند درباره آن واکنش نشان دهند. تا وقتی که سانسور اطلاعاتی داریم و نتایج پژوهش‌ها در اختیار جامعه قرار نمی‌گیرد وضع مان همین است و با قانون نمی‌شود این‌ها را حل کرد. می‌توانید از مجموعه مدیران پرسید که آیا می‌توانند گزارش‌های ارزیابی زمانی که سد می‌ساختند را منتشر کنند تا بدانیم مشاوران در مورد پیامدهای اجرای آن پروژه چه گفته‌اند. من ارزیابی تأثیر اجتماعی تعداد زیادی از سدها را دیده‌ام؛ سه تا چهار خط یا سه تا چهار صفحه آمار از خانه بهداشت محل گرفته‌اند، جمع کرده‌اند و اسمش را ارزیابی تأثیر اجتماعی گذاشته‌اند!

آیا برای پروژه‌هایی که الان در حال اجراست یا به پایان رسیده‌است نیز می‌توانیم پیوست فرهنگی تعریف کنیم؟

بله. در مجموع پیوست و ارزیابی تأثیر در سه مرحله انجام می‌شود؛ پیش از اجرا، در حین اجرا و پس از اجرا. فرض کنید در حال اجرای مجتمع بزرگ ذوب آهن هستید. می‌شود در حین اجرا، حداقل در مورد از این‌جا به بعد پروژه بینش‌هایی ارایه کرد تا در سیستم اصلاحاتی انجام شود. گاهی اوقات هم ممکن است پیامدهای پروژه آن قدر خطرناک و هزینه‌بر باشد که اگر همین حالا متوقف نشود زیانش کمتر از این است که پروژه تکمیل شود. در نظر داشته باشیم که ارزیابی تأثیر اجتماعی و فرهنگی یا تدوین پیوست فرهنگی، به‌طور کلی بخشی از خانواده ارزیابی تأثیر است و بخشی از عقلانیت دموکراتیک دنیای تجدید با محوریت بحث از منافع نیز هست. ارزیابی تأثیر اجتماعی و فرهنگی، نوعی نگرش عقلانی انتقادی دموکراتیک به شیوه و توزیع تأمین منافع در گروه‌های انسانی است.



رابطه فضای کالبدی شهر با میزان جرایم

گفت و گو با دکتر سید مسعود امیدی حقوقدان

مسعود نبی دوست

گفت‌وگو با دکتر سید مسعود امیدی ویژگی‌های خاصی دارد. او را در دفتر و کالنتش در خیابان مدرس ملاقات می‌کنم. کارشناس ارشد عمران دارد و دکترای حقوق جزا و این دو رشته زمینه تحقیق در یک تئوری میان رشته‌ای را برای او فراهم کرده است. تئوری‌ای که بر کاهش جرایم از طریق مدیریت فضای کالبدی شهر تأکید دارد.

که تغییرات و ایجاد محدودیت‌هایی در ساختار محیط می‌تواند اقدامات مجرمان را خنثی می‌کند. به عنوان مثال یک سارق سرعت از یک ساختمان با سطح دسترسی به دو خیابان اصلی را به یک ساختمان در انتهای دوربرگردان ترجیح می‌دهد. بنابراین اثر گذاری محیط با وضوح بالایی مشاهده می‌شود.

همچنین در این نظریه آمده است که شهروندان می‌توانند از محیط فیزیکی به گونه‌ای استفاده کنند که با سازوکارهایی مانند افزایش مراقبت، نظارت و کنترل محیط، تعامل اجتماعی و ارتباط میان ساکنان محیط، وقوع جرم را کاهش دهند.

این نظریه بر چه اصولی تأکید دارد؟

این تئوری در نهایت به بررسی ۳ کیفیت اساسی در شهر می‌پردازد. ایجاد تمایز صریح بین فضاهای عمومی و خصوصی، لزوم ایجاد چشمانی برای نظارت و مراقبت از خیابان و ایجاد پیاده رو به عنوان فضایی بدون سدمعبر و توقفگاه.

این دستورالعمل‌ها بر کاهش ارتکاب جرم تأکید دارد یا کاهش ترس از ارتکاب جرم؟

بر هر دو مورد تأثیر گذار است. ولی برای شهروند، کاهش ترس از وقوع جرم اهمیت بیشتری دارد. برای این که وقتی جرمی اتفاق افتاد، به پاسگاه و دادسرا مراجعه می‌کند. ولی ترس از وقوع جرم به او آسیب می‌زند. یعنی امنیت که مادر شهر هادر باره آن بحث می‌کنیم کاهش ترس از وقوع جرم است.

اگر موافقید درباره مصادیق این نظریه هم صحبت کنیم؟

می‌شود بایک مثال این نظریه را توضیح داد. فرض بفرمایید که می‌خواهیم یک برج ۲۰ طبقه طراحی کنیم. در این برج با توجه به دستورالعمل‌ها مجموعه‌ای از خصوصیات، مشخصات، ضوابط و تعرفه‌ها رعایت می‌شود. به عنوان مثال این که دسترسی‌های هر محیط چگونه باشد. نورگیرها، محل سرویس، دسترسی هر فضا به خروجی‌ها و یا موارد مشابه بر طبق ضوابطی در ساختمان رعایت می‌شود. اما نکات دیگری هم باید درباره این ساختمان مورد توجه قرار گیرد. یعنی مثلاً این ساختمان در محلی که احداث می‌شود چه ویژگی‌هایی

کشور در مورد آن مطالعه می‌شود.

تأکید این نظریه بر خواص فیزیکی محیط و اثر آن بر کاهش جرم است. ولی عوامل فراوان دیگری هم بر ارتکاب جرایم اجتماعی تأثیر دارد...

این تئوری ناظر به عوامل بسیار متعددی است و مبانی نظری خاصی دارد. به عنوان مثال در این نظریه مطرح شده است که محیط فیزیکی می‌تواند با مسدود کردن فرصت‌های جرم از وقوع آن پیشگیری کند. یعنی محیط فیزیکی می‌تواند یکی از عوامل مسدود کردن وقوع جرم باشد. در بخش دیگری از این نظریه آمده است

در ابتدا اگر موافقید بحث را با تئوری ارتباط فضای کالبدی شهر با جرایم اجتماعی آغاز کنیم.

بحثی درباره معماری و ارتباط آن با میزان جرایم وجود دارد که در معماری مدرن توجه زیادی به آن شده است. این بحث در یک تئوری به نام (CPTED) مطرح شده و به معنی «پیشگیری از جرم در میان طراحی‌های محیطی» است. یعنی شکل طراحی محیط به نحوی صورت بگیرد که بازتاب آن در کاهش جرایم و بزه‌های اجتماعی نمود پیدا کند. البته این تئوری خیلی دیر به کشور ما رسیده است و شاید بیش از ۲۰ سال است که در خارج از